

احزاب در پی خانه



اعظم طالبانی
مدیر مسئول

می‌توان گفت تحلیل علل ناپایداری احزاب سیاسی پس از پیروزی انقلاب «عدم تقارن توسعه سیاسی با توسعه اجتماعی، اقتصادی و قضایی است» که خود بررسی و پژوهش حداقل سی و چند ساله‌ای را می‌خواهد. وجود احزاب متعدد در جامعه با سیستم چند اجتماعی تفاوت‌هایی دارد، اما اغلب این نوع جوامع از یک دوران طولانی استبداد و اختناق به طور ناگهانی خارج می‌شوند و دسته‌بندی‌های سیاسی و ایدئولوژیکی روی آورده می‌شود. سازمان فکری سیاسی در این جامعه عکس‌العملی به دوران استبداد است. در این گونه جوامع فرهنگ دموکراسی نهادینه نشده و اغلب دسته‌بندی‌ها به درگیری‌های اجتماعی و سیاسی منتج می‌شود و از دورن آن نظام توتالیتر دیگر ظهور می‌کند. در این گونه جوامع نمی‌توان انتظار داشت دموکراسی عاریتی و الگوهای مشابه به مردمی که شرایط لازم دموکراسی در آنها نهادینه نشده و هنوز آموزش لازم را تست نکرده‌اند تحمیل گردد.

از این رو به تاریخچه کوتاهی به احزابی که برای پایداری خود مرکز یا خانه‌ای را تدارک دیدند و در حال حاضر بی‌خانمان شده‌اند می‌پردازیم. در دهه دوم انقلاب (۱۳۷۹) مجمع عمومی احزاب تشکیل شد و از همه احزابی که دارای پروانه بودند دعوت به عمل آمد. در این مجمع عده‌ای برای تنظیم و نوشتن اساسنامه انتخاب شدند. از جمله آقایان کاشسفی، راجمنی، بادمجیان، رحمانی، یحوی، کواکبیان و بنده. اساسنامه طی دو سه ماه منتهی به سال ۱۳۸۰ نوشته و در مجمع عمومی احزاب به تصویب رسید. سپس مجمع عمومی طبق اساسنامه تشکیل و پانزده نفر برای شورای مرکزی انتخاب شدند. ۹ نفر از اصلاح‌طلبان و ۶ نفر اصولگرایان. سپس آقای موسوی تبریزی به عنوان رئیس شورای مرکزی انتخاب شد و اولین شورای مرکزی تشکیل گردید. در مجمع عمومی دوم ۶ نفر از اصلاح‌طلبان و ۹ نفر از اصولگرایان انتخاب شدند و آقای غفوری‌فرد رئیس شورای مرکزی گردید.

در دوره سوم باز مجمع عمومی تشکیل و ۹ نفر از اصلاح‌طلبان و ۶ نفر از اصولگرایان انتخاب شدند. اصولگرایان دست به اعتراض زدند. اعتراض آنها را کمیسیون ماده ۱۰ احزاب نپذیرفت و انتخابات را تأیید کرد. ولی تا سال ۱۳۸۵ اعتراضات ادامه داشت. برای رفع اختلاف جلساتی با حضور آقایان عسگرآولادی، بهزاد نبوی و دو نفر از اصولگرایان یعنی آقایان غفوری‌فرد و بادمجیان و دو نفر از اصلاح‌طلبان یعنی آقایان موسوی تبریزی و حسین کاشفی حضور داشتند. سرانجام آقای عسگرآولادی پیشنهاد کرد تعداد افراد شورای مرکزی را افزایش دهیم. مجمع عمومی فوق‌العاده سوم در سال ۱۳۸۵ برگزار و مجمع با اکثریت قاطع رای دادند که به تعداد شورای مرکزی ۶ نفر را اضافه کنند.

در واقع از ۱۵ نفر به ۲۱ نفر افزایش یافت. مجمع عمومی عادی دوره چهارم که تشکیل شد ۱۰ نماینده اصلاح‌طلب و ۵ نماینده مستقل و ۶ نماینده اصولگرا انتخاب شد. در سال ۱۳۸۸ پنجمین مجمع عمومی برگزار شد و بعد از انتخابات عده کمی از اصولگرایان رای آوردند. در طول این مدت هیات رئیسه از بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان انتخاب می‌شدند. ولی پس از انتخابات شورای مرکزی که رئیس شورای مرکزی از اصلاح‌طلبان رای آورد، اصولگرایان شروع به اعتراض کردند. ولی برای این اعتراض مجدداً مجمع با دعوت آقای غفوری‌فرد صورت گرفت که خود ایشان در آن جلسه حاضر نشد و شورای مرکزی انتخاب شدند. البته در این جلسه آقایان امیری و قیومی به عنوان اعضای هیات رئیسه مجمع عمومی حضور داشتند. برگزار گردید و نسبت به هیات رئیسه و روش‌های کمیته‌ها اتخاذ تصمیم شد. در انتخابات دوره پنجم بیش از سه نفر از آقایان اصولگرا در شورای مرکزی انتخاب نشده بودند. لذا پس از مدتی سهم‌خواهی بیشتری کردند و با توافق اصلاح‌طلبان دو نفر از آقایان، «مظاهری» و «کنعانی‌مقدم» اضافه شدند.

چندی بعد مجدداً سهم‌خواهی را شروع کردند و خواستار ریاست کمیته بین‌المللی و سپس نمایندگی خانه احزاب در «ایکاب» (اجلاس احزاب آسیایی) شدند. سهم‌خواهی مستمر آنان سبب اصطکاک شد و استنکاف حضور در شورای مرکزی را پیش آورد. شورای مرکزی پیشنهادات آنان را نپذیرفت. بعضی آقایان که مدعی موقعیت شورای مرکزی خانه احزاب بودند پس از رای گیری از ۲۱ نفر فقط ۳ نفر به آنها رای دادند. در سال ۱۳۸۹ شورای مرکزی تصمیم به برگزاری سمینار کرد. جریان اصولگرا مانع برگزاری شد. در سال ۱۳۹۰ شورای مرکزی اقدام به تشکیل مجمع عمومی ششم نمود ولی وزارت کشور اول درب ورودی خانه احزاب و سپس اسناد و مدارک را پلمپ کردند. شورای مرکزی خانه احزاب با خروج اصولگرایان از اکثریت خارج نشد و تعطیل نگردید و پیوسته مکاتبات آن با وزارت کشور تداوم یافت و تا سال ۱۳۹۱ شورای مرکزی مکاتبات با نمایندگان، مدیرکل و معاون سیاسی وزارت کشور ادامه داد و با توجه به عدم امکانات خوشبختانه خانه احزاب جلسات خود را ادامه داد و می‌توان اظهار کرد که تا الان ادامه دارد.

ظاهراً مقدمات بی‌خانمان کردن احزاب از قبل برنامه‌ریزی شده بود. زیرا در سال ۸۶ خانه احزاب به روال گذشته همایش فصلی خود را برگزار کرد. در ابتدای همایش سه نفر مهمان دعوت شده بودند. آقای مصطفی‌پورمحمدی وزیر کشور و آقای دروینجف آبادی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظامو دادستان کل کشور و آقای کاظم جلالیمخبر کمیسیون امنیت ملی حضور داشتند و حدود ۱۵۰ حزب هم در این همایش شرکت کردند. این همایش حمایت دولت را طلب می‌کرد و احزاب با امیدواری زیادی در این همایش شرکت کردند، ولی پس از ایراد سخنان مهمانان که باید در حوزه درخواست‌های احزاب می‌بود همایش به مناظره انتخاباتی دوره هشتم تبدیل گردید و اینکه قانون احزاب باید تغییر کند. همچنین مسائلی مطرح شد که نه تنها در خور حامیان احزاب نبود بلکه همایش را به سوی مناظره انتخاباتی سوق داد و این بیانات سبب شد که پروسه خانه احزاب از آن به بعد به سوی رود که مدارک و اسناد را ببرند و خانه احزاب را پلمپ کنند و مکاتبات خانه احزاب با وزارت کشور بی‌جواب بماند. این هنگامی بود که خانه احزاب برای برگزاری مجمع عمومی ششم برنامه‌ریزی و پیگیری را ادامه می‌داد اما جریان مقابل آن قدر مانع ایجاد کرد تا مجمع عمومی برگزار نشود تا نهاد مدنی تشکیل نشود، اما جلسات پیوسته تشکیل شد و از اکثریت نیفتاد و به کارش ادامه داد. شورای مرکزی نیز درخواست‌های قانونی خود را برای مسئولین به صورت مکتوب ارائه می‌داد.

متأسفانه اخیراً فردی که حداقل دو دوره رئیس خانه احزاب بوده در مصاحبه‌ای با اشاره به جلسه نمایندگان احزاب با وزیر کشور به منتفی بودن خانه احزاب تکیه کرده و احیای آن را غیرممکن می‌داند.

سوال این است که آیا موانع تداوم فعالیت خانه احزاب و برگزاری مجمع عمومی با این قصد ادامه یافت که بنیان جدیدی به وجود آوردند که خلاف اساسنامه غیر صنفی مصوب مجمع عمومی احزاب در سال ۸۰ - ۱۳۷۹ در گذشته باشد؟

آیا این قانون‌شکنان صلاحیت تشکیل حزب برای رشد جامعه را دارند؟ چگونه مردم می‌توانند به کسانی اطمینان کنند که هرگاه منافعشان به خطر افتد اخلاق و قوانین و تعهدات را زیر پا می‌گذارند؟ البته این نکته را باید توجه کنند که خانه احزاب همچنان فعال است وجود دارد و آنان اشتباه می‌کنند.

عقل‌دوراندیش در تجربه جهانی ملاحظه می‌کند که کشورهایی که با حضور احزاب قوی اداره می‌شود کمتر آسیب می‌بینند و این احزاب می‌توانند موانع خطرات پیش‌بینی نشده باشند و چشم و گوشه‌ای برای حفظ حدود و ثغور و امنیت ملت و کشور باشند.